



«دل دار» برخلاف اسمش اجتماعی ترین سریال امسال است  
با دغدغه های روشن و روزآمد از وضعیت اشتغال و ازدواج جوانان  
مهم ترین شاخصه این سریال اما عبور از کلیشه های  
سریال های تلویزیونی است



فایده های

ویژه نامه رادیو و تلویزیون روزنامه جام جم  
شنبه ۱۸ خرداد ۹۸ • شماره ۶۷۰

۳

قوت و ضعف

بررسی نقاط قوت و ضعف سریال های ماه رمضان

# یک سال معمولی

سریال های امسال ماه رمضان، بیش از هر سال دیگری از جهت نبود تنوع مورد انتقاد قرار گرفتند. اما به مرور روشن شد که مسأله خمودگی و پیراز آه و ناله بودن حتی مهم تر از عدم تنوع بر ریزش مخاطب سریال های امسال اثرگذار بوده است. در ادامه فارغ از این نکات کلی، به بررسی ویژگی های مثبت و منفی درونی هر سریال خواهیم پرداخت.

فاطمه ترکاشوند  
خبرنگار



## اجتماعی ترین سریال رمضان

دل دار (برادران محمودی)

**قوت:** «دل دار» برخلاف اسمش اجتماعی ترین سریال امسال است؛ با دغدغه های روشن و روزآمد از وضعیت اشتغال و ازدواج جوانان. مهم ترین شاخصه این سریال اما عبور از کلیشه های سریال های تلویزیونی است. دل دار اصرار ندارد که سالخورده ها همیشه برحق باشند و جوانان همواره در اشتباه.

سالخورده های این داستان به جوانان اعتماد نمی کنند و آنان را بابت ریسک طبیعی روی پای خود ایستادن، مدام سرزنش می کنند. گرچه جوانان هم با سرهای پر باد و غرور و پنهانکاری، جواب این بی اعتمادی را داده اند و این رابطه از هر دو سو متزلزل شده است. عبور از کلیشه ها البته اگر به قصد دیدن بخش هایی از واقعیت های موجود باشد در جلب آن قسمت از جامعه که درگیر چنین مسائلی بوده اند، کارگر و موفق خواهد افتاد.

**ضعف:** دل دار از همان بیماری رنج می برد که غالب سریال های تراژیک تلویزیون به آن دچارند. سریال هایی که اصرار دارند شخصیت ها ظرف چند روز به تمام مصیبت های عالم گرفتار آیند و بعد باز هم مخاطب در اوج تأثر و تالم از عمق شوربختی آنها، باز هم بپذیرد که در قسمت آخر، راهی برای پایان خوش همه چیز هست. علی القاعده این روای می تواند در گونه تخیلی یا طنز به سطح باورپذیری تماشاگر نزدیک شود، اما در یک ملودرام اجتماعی بسیار سخت است که از مخاطب بخواهیم داستان ها را در چنین وضعیتی بپذیرد و احساس فیلم هندی دیدن هم به او دست ندهد. بالاخره باید نقطه ای باشد که کارگردان ها باور کنند نمی شود هم یک فیلم رئال اجتماعی ساخت و هم به اندازه یک فیلم هندی سانتی مانتال بود. اپیدمی دیگری که این سریال هم به آن مبتلاست، انفعال آزاردهنده شخصیت هاست. آنها برای تغییر می جنگند و با هم سرشاخ می شوند، اما باز هم یک اتفاق عجیب مثل پرت شدن از پنجره می افتد و همه چیز به هم می ریزد. دنیا از اراده آدم ها قوی تر است و انگار آنها باید تا ابد سرکوفت شکست هایی را بخورند که کمترین نقش را درشان داشته اند.

## دیالوگ های امضادار

برادر جان (محمد رضا آهنگ)

هم با آب و تاب ابراز می کنند و برای یک لبخند سه خط فلسفه می بافند، در همین فضای حسی شریکند که قصه را بین پیچ و خم روابطشان می سازد. این دست سریال ها، قطعا شخصیت محورترین روایت ها را دارند و کمتر اتفاق ویژه ای مثل آنچه در سایر سریال ها می بینیم از قبیل مرگ و تصادف و کما و ازدواج و... در آنها اتفاق می افتد. «برادر جان» بهترین نمونه در این سبک بوده است.

**ضعف:** برادر جان، اما دقیقا از همین جا هم ضربه می خورد. سریال می خواهد بر بستر روابط انسانی شکل بگیرد و رشد کند، اما تراکم و تعدد شخصیت ها با پیش قصه هایی که بسیار دیرنزد مخاطب باز می شوند، واقعا دست اندازهای کوتاهی سر راه ارتباط گرفتن با داستان نیستند. روایت سرراست نیست؛ از قصد به پیچیده کردن روابط افتاده بدون آن که در این پیچیدگی، لذت تعلیق یا کشفی نهفته باشد. برادر جان از آن دست داستان هایی است که مدام باید حواست باشد، اسم یک شخصیت را اشتباه یاد نگرفته باشی، یا مدام با بقیه جدل کنی که کدام شخصیت پسر یا برادر یا همسایه یا عمو و عمه کدام دیگری است. علی رغم این که روایت، شخصیت محور است، اما نقاط تاریک در انگیزه های شخصیت ها بسیار است و آنها شبیه معماهای آسانی هستند که از قصد برای آن که خودشان را دشوار جلوه دهند، از این شاخه به آن شاخه می پرند.



## سینمایی ترین سریال

از یادها رفته (بهرام بهرامیان)

**قوت:** برای بیرون کشیدن نقاط قوت «از یادها رفته» باید خیلی سختی کشید و فیلم را از همه طرف حفر کرد تا به اندک چیز ارزشمندی رسید. در واقع در فیلم نامه، بازی ها، داستان، شخصیت پردازی و همه این ابعاد، چیزی برای دنبال کردن نیست، اما در سبک نورپردازی و فیلمبرداری که البته آن هم نابجا و بدون تناسب در فیلم جا گرفته است، مقداری ارزش های بصری وجود دارد که برای مخاطب سریال های تلویزیونی می تواند پرآب و رنگ و جذاب به نظر برسد و مقداری بر تغییر ذائقه بصری او یا دست کم به عنوان یک تجربه



ضعف های موثر دیگر در شیوه قصه گویی این سریال است که به تهی و مجمل بودن فیلمنامه و طرح اصلی داستان برمی گردد.

کم سابقه اثرگذار باشد.

**ضعف:** از یادها رفته با فیلمنامه ای که به اندازه یکی دو قسمت بیشتر تاب کشش نداشت، همه را از خود ناامید کرد؛ این طور به نظر می رسد که سازندگان سریال روی ظرفیت جذب چهره هایی چون رضا یزدانی و میترا حجار بیش از اندازه حساب باز کرده بودند در حالی که مدیوم تلویزیون اساسا مدیوم ستاره سازی های پرطمطراق و بی رقیب مثل سینما نیست. از آن گذشته، انتخاب یک بستر تاریخی برای یک داستان عاشقانه، بدون هیچ ارتباط و تأثیری در نظر گرفته شده و گویی داستان یک مثلث عشقی معمولی در دهه ۹۰ در لباس آدم های ۸۰ سال پیش گفته می شود. شخصیت های سطحی و کم عمق و بی مسأله و موقعیت های معمولی و بدون چالش از